

دژهای صخره‌ای مستحکم‌ترین بناهای دفاعی (دژهای کرفتو و اشکفت فرهاد)

جواد شکاری نیری

خلاصه مقاله

در تاریخ جنگهای ایران و دنیا آنچه که در اولین نظر نگاهها را به خود جلب می‌کند، دژها و قلعه‌ها، حصارها، برجها و خندقهای اطراف دهکده‌ها و شهرها بودند. سپس ساختن ادوات جنگی روبه پیشرفت نهاد. لذا قلعه‌های دشتی در برابر تهاجمات نیروهای مجهز به قلعه کوبها و منجنیقها و دیگر ادوات تسخیر قلاع، مقاومت چندانی نداشتند. بنا بر این، بشر بناچار جهت ساختن پناهگاههای امن‌تر به کوهها پناه برده و بر روی کوهستانهای مرتفع و صعب العبور، به ایجاد قلعه‌ها و دژهای مستحکم پرداختند. بعضی از ملل جهان بویژه ایرانیان بخاطر قرار گرفتن در چهارراه حملات اقوام مهاجم در اندیشه ساختن مکانهای دفاعی مستحکم‌تر و غیر قابل تسخیر، شروع به کندن دل صخره‌های کوهستانی، در یک ارتفاع تقریباً غیر قابل دسترس نمودند که فقط یک راه نفوذ داشت، آن هم تحت اختیار و تسلط دژ نشینان بود. معمولاً میزان ذخایر غذایی تعیین کننده طول دوران مقاومت دژهایی از این قبیل بود. در اینجا به بیان دو نمونه از دژهای صخره‌ای دوران تاریخی یعنی دژ صخره‌ای کرفتو معروف به غار کرفتو و دژ صخره‌ای اشکفت فرهاد می‌پردازیم. گفتنی است نیاکان ما، در مواردی غارهای طبیعی کوهستان را با انجام دست‌کاریهایی تبدیل به دژ مسکونی می‌نمودند و در بسیاری موارد نیز سرسختانه با دست خویش، دل صخره‌های کوهستانی را تراشیده و دژهای صخره‌ای ایجاد می‌کردند*.

الف) مختصری پیرامون دژ کرفتو

موقعیت جغرافیایی دژ یا غار کرفتو واقع در استان کردستان به صورتهای زیر آمده

* - و کانوا ینجتون من الجبال بیوتاً امنین «در و خانه‌های خود را در کوهها می‌کنند تا ایمن

باشند». «سوره حجر، آیه ۸۲»

است. این غار سر راه سنندج به تکاب واقع شده است و یکی از غارهای بزرگ و دیدنی ایران می‌باشد و سوابق تاریخی چند هزار ساله دارد.

دهانه آن به طور مصنوعی در چندین طبقه از سنگ تراشیده شده، اطاقها و سالنهای متعددی نیز دارد که سالن بزرگ آن ۱۲×۷ متر است. موقعیت جغرافیایی آن در ۴۵ کیلومتری تکاب، و ۱۲ کیلومتری دهستان کرفتو قرار داشته و در دامنه کوه واقع است. همچنین راه قدیمی که عراق و سوریه را به ایران مربوط می‌ساخته از ۲ کیلومتری غار می‌گذرد.^۱

پس از داخل شدن در غار، ابتدا به اطاقهایی می‌رسیم که به دست بشر از سنگ تراشیده شده است، این اطاقها به سمت بیرون، درگاه داشته و به همدیگر راه دارند. سپس از دالان باریکی به سه اطاق دیگر وارد می‌شویم.

جمعاً ۲۵ اتاق سنگی در این غار مشاهده شد که به طور متفرق در گوشه و کنار غار از سنگ تراشیده و مردمان قدیم در آن مسکن نموده بودند. این اطاقهای سنگی کاملاً از دود سیاه شده‌اند.^۲ در غار کرفتو یادگار دوران متعدد تاریخی را می‌توان دید: از جمله آنها یک کتیبه به زبان یونانی است که «کرپورتر» «سیاح و نقاش»، از آن یاد کرده است؛ سه خط حروف یونانی نیز وجود دارد که در اتاق سوم «اتاق K بر اساس مطالعات آلمانیها» قرار دارد که گویا این خانه‌ها و اطاقهای تراشیده شده در قرن سوم پیش از میلاد، معبد معروف هراکلیس* بوده است و اهمیت و اعتباری داشته است. روی یک اطاق هم، اسم هراکلیس با حروف یونانی محکوک و منقور است. در زیر این چند کلمه، اسب سواری نقش شده است که در حال شکار آهو می‌باشد. این شکل یادگاری از فتوحات گودرز اشکانی بر مهردادس پادشاه ارمنستان است. «تاسیت» مورخ رومی از این معبد اسم برده و اظهار می‌دارد که در جنگ معروف این دو، پادشاه ایران به این معبد پناهنده شده و درخواست وحی نمود.^۳

«کرفتو» از قدیمترین دژهایی است که در صخره‌های مرتفع کنده شده است. بی گمان مقداری از آن به صورت غار طبیعی بوده است که به تدریج در طول تاریخ اضافات و ملحقاتی را به خود پذیرفته است. محققان زیادی از حدود ۲۰۰ سال پیش

آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند و مطالبی پیرامون آن نوشته‌اند. در کتاب فهرست بناها و مکانهای تاریخی تصریح شده است که این غار پیش از تاریخ مورد استفاده بود و اتاقهای کنده شده از دوران ماد و اشکانی و مغول در اینجا وجود دارد.^۴

همچنین این دژ در قلمرو حکومت «ماناها» قرار داشته و مسلماً حدود قرن سوم (ق.م) نیز مورد استفاده یونانیان بوده است و یادگارهایی از آن دوره نیز بر خود دارد. این دژ سپس از حوالی سالهای ۶۱۲ (ق.م) بدست مادها افتاده است که یادگار آن دوران را نیز بر خود دارد.

آثار دوره اشکانی غار کرفتو کاملاً محرز است. یک کتیبه به زبان یونانی همراه با نقش برجسته‌های مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل بیانگر رویدادهای طولانی است که کرفتو به خود دیده است.^۵

باید گفت که محققان قدیمی با نام «مانا» آشنایی نداشتند و سرزمین و تمدن «مانا» به صورت گمنام بود و معمولاً آن را جزء قلمرو مادی به حساب می‌آوردند، اما از زمان خوانده شدن کتیبه‌های آشوری و اورارتویی و انتشار آنها در نیم قرن اخیر، نام آن مکرراً به چشم می‌خورد و در این بین حتماً اسامی پادشاهان آن نیز معلوم شده است و لازم است که در مورد انتساب آثار آن منطقه در نیمه اول هزاره اول (ق.م) دقت و تجدید نظر به عمل آید. نمونه‌ای از مسامحه فوق را در مطالعات دانشمندان گذشته می‌توان دید که در مورد کرفتو از دوران ماد به ناگهان به دوره پیش از تاریخ رسیده‌اند.

... غار کرفتو از جمله غارهای ما قبل تاریخ است که از روزگار باستان مورد استفاده قرار گرفته و بر طبق بررسی که در این محل به عمل آمده در زمان ماد و اشکانی و مغول از این غار استفاده شده است. بسیاری از اتاقهای حجاری شده این محل، مربوط به دوران ماد و اشکانی و مغول است.^۶ باید اضافه نمود که قبل از مادها این دژ صخره‌ای مورد استفاده ماناها بوده است که بعدها مادها صاحب آن گشتند.

چنانکه عنوان شد، این غار در طول دوران اسلامی هم مورد استفاده قرار گرفته است و آثار به جای مانده و متون باقیمانده نیز بدان اشاره می‌کنند. از جمله در دوره جلایریان دائماً مورد استفاده قرار گرفته بوده که به صورت «کراوتو» در کتب تاریخی ثبت شده است.

ب) «اشکفت فرهاد» دژی کنده شده در صخره «دوران ماتایبها»

در شانزده کیلومتری شمال غرب شهر صائین دژ «شاهین دژ» یک دژ صخره‌ای وجود دارد که تا به حال کمتر شناخته شده بود، پس از گذشتن از نهر، زربنه رود از کنار دهکده‌های «آغ تپه»، «مستان آباد» و «خاتون آباد» در جهت شمال گذشته و در نزدیکی دهکده «داشکستن» به سوی شمال غربی تغییر مسیر داده و به دهکده «بی بی کندی» می‌رسیم که روبروی دهکده و در سمت جنوب، صخره‌های آهکی مرتفعی قرار دارند که همانند دیوار به نظر می‌رسند.

در اینجا دریچه‌های متعددی را در سینه کش صخره‌ها و در ارتفاع قابل ملاحظه می‌توان دید. نخست وجود دو شکاف بزرگ از دور جلب توجه می‌کند که یکی از آنها ابعاد بزرگتری دارد و از پایین قابل دسترس است که یک فضای بزرگ طبیعی می‌باشد. در جلوی آن آثاری از سنگ چینی دیده می‌شود که مربوط به زمان متأخر است. ارتفاع داخل آن حدود ۷ متر است، تنها اثری که با دخالت انسان در صخره مذکور ایجاد شده، یک حفره چاه ماندی است که درست در سقف و در بالای سر انسان و در فضای طبیعی بزرگ کنده شده است. روشنایی که از داخل آن می‌رسد معلوم می‌کند که در بالا با فضایی ارتباط دارد. این تصویر قسمتی از محوطه بزرگ داخلی است که شرح آن گذشت و در نوع خود غیر معمول می‌نماید. در مورد عملکرد آن نظرات متعددی را می‌توان ابراز نمود، ابعاد آن به اندازه‌ای است که یک انسان می‌تواند راحت از آن فرود آمده و یا بالا برود که ممکن است به همین منظور ایجاد شده باشد. البته اینجا به صورت مذبح نیز می‌توانست به کار گرفته شود.

«اشکفت فرهاد» نامی است که اهالی به این دژ داده‌اند، دره‌ای سرسبز در روبروی این دژ قرار دارد که رودخانه‌ای در آن جریان دارد و آن سوی رودخانه دهکده «بی بی کندی» قرار دارد. در فاصله نزدیکی از اشکفت و درست در ضلع شمال غرب آن، به فاصله حدود ۲۰۰ متر، بقایای ساختمانی و تپه‌ای دیده می‌شود که چیز قابل توجهی از آن باقی نمانده است و توسط کشاورزان صاف شده و تبدیل به زمین زراعی شده است. در محوطه روبروی دژ که چراگاه و زمینهای زراعی است. سفالهای متداول هزاره اول قبل از میلاد به فراوانی یافت می‌شود. مخصوصاً سفالهایی که در قرون ۷ و ۸ قبل از بلاد در آن منطقه متداول بود، در زمینهای مقابل پراکنده است.

این سفالها کمک بسیاری برای تعیین قدمت محل می‌نمایند. علاوه بر دو محوطه بزرگ که در این مجموعه به قسمت بیرون اشراف دارند، مجموعاً ۱۰ اتاق تو در توی اصلی در این دژ وجود دارد که همگی در دل صخره کنده شده و به وسیله راهروهای متعدد به همدیگر ارتباط دارند.

از نظر ارتباط اتاقها با همدیگر، این دژ از دو مجموعه دو قسمتی تشکیل شده است که یک سری اتاقها در سمت راست و بالای شکاف بزرگ قرار دارند و تعداد ۶ عدد از اتاقها را می‌توان اصلی به شمار آورد. در وسط یکی از اتاقها یک چاه مستطیل شکل وجود دارد که ذکر این مجموعه به وسیله پلکانها و نیز از طریق راهروهای غیر همسطح با همدیگر ارتباط دارند و اتاقها دارای طاقچه‌ها و سکوها و اتاقکهای فرعی هستند.

مجموعه دیگری در سمت چپ دژ قرار دارد که با جهت شرق مطابق است، این مجموعه از طریق چهار دریچه بزرگ به بیرون راه دارد و از طریق آنها نور لازم، جهت روشنایی فضای داخلی اتاقها را دریافت می‌کنند. روزنه‌های کوچک و متعددی نیز جهت دیدبانی و همچنین به منظور دریافت روشنایی در مواقع بسته بودن در، ایجاد کرده‌اند.

موقعیت دفاعی این قسمت کاملاً محرز است. چون در جلوی این قسمت ۱ تا ۱۲ اتاقک کوچک که فقط برای نشستن جای کافی دارند، ایجاد شده و روزنه‌های متعددی در جلوی آن و مشرف به بیرون کنده‌اند. کاملاً مشخص است که اینها را فقط جهت دیدبانی و تیراندازی به سوی افرادی که نزدیک منطقه شده استفاده می‌کردند و جهت جلوگیری از نفوذ دشمن موقعیت مناسبی را داشته‌اند. راه صعود به آن از ارتفاع ۵ متری شروع می‌شود و در حدود ۱۵ متری به دریچه اتاق اول وارد می‌شود، صخره‌های آهکی آن لغزنده است و راهی که از پرتگاه صخره‌ای به اتاق منتهی می‌شود بیش از ۶ تا ۱۰ سانتیمتر عرض ندارد و صعود از آن اندکی خطرناک است و با کفش معمولی امکان‌پذیر نیست*.

پس از رسیدن به در اولین اتاق وارد یک اتاق تقریباً مستطیل شکل می‌شویم.

* - برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: معماری صخره‌ای، نگارش اینجانب در دانشگاه تربیت مدرس،

ورودی آن به ارتفاع ۱۴۵ سانتیمتر و به عرض یک متر است. این اتاق ۴ متر طول و ۴/۵ متر عرض دارد و در ضلع شمال شرقی خود یک اتاقک کوچک دارد که آن هم دارای ۱۸۵ سانتیمتر طول و ۱۴۵ سانتیمتر عرض می‌باشد و عرض دریچه ۹۰ سانتیمتر و ارتفاع آن یک متر است.

بعد از ورود به داخل محوطه دیواره سمت غربی اتاق جلب توجه می‌کند، زیرا در آن دریچه‌ای واقع در ارتفاع ۸۶ سانتیمتری و عرض نیم متر دیده می‌شود که به سوی اتاقهای دیگر راه پیدا می‌کند و وارد اتاق دوم می‌شود. اتاق دوم این مجموعه ۷/۹ متر طول و ۲/۵ تا ۲/۷۰ متر عرض دارد و در انتهای خود دو اتاقک دارد که به ابعاد تقریبی ۲×۲ متر هستند. این اتاق در داخل خود بر خلاف اتاق اول چندین طاقچه دارد، کف این اتاق ۱۳۵ سانتیمتر بالاتر از کف اتاق اول قرار دارد.

از طریق دریچه دوگانه از اتاق دوم می‌توان وارد اتاق سوم شد که کف آن نیز یک متر بالاتر از کف اتاق دوم است. این اتاق در جداره غربی ۵ عدد طاقچه مستطیل شکل دارد و چند سکوی کوتاه در قسمتهای مختلف آن دیده می‌شود. طول اتاق سوم ۶ متر است. از این اتاق توسط دریچه‌ای به طول ۱/۹۵ متر وارد اتاق چهارم می‌شویم. ارتفاع این راهرو به طور متوسط ۹۵ سانتیمتر و عرض آن ۵۰ سانتیمتر است. این اتاق یک در نورگیر دارد، چندین روزنه نیز به بیرون اشراف دارند. داخل آن ۹ عدد طاقچه دارد که بعضی قوس دار هستند، یعنی قسمت بالای آنها قوس خمیده دارد. بعضی از طاقچه‌ها مربع شکل و بعضی مستطیل شکل هستند و حدود ۳۰ سانتیمتر عمق دارند و نزدیک یک متر عرض و ۱ متر تا ۱/۲۵ متر ارتفاع دارند و بعضی نیز کوچکتر هستند.

از قرائن معلوم می‌شود که تعدادی از طاقچه‌های اتاق چهارم بعداً برداشته شده‌اند. این اتاق که آخرین اتاق است، یک درگاه رو به بیرون دارد که در درجه اول جهت دریافت نور و هوا و نیز برای تردد در مواقع اضطراری می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. گفتنی است که این اتاقها علاوه بر این که از داخل به همدیگر ارتباط دارند، از بیرون نیز می‌توان به هر یک از آنها تردد نمود. اما برای رفتن به سوی اتاقهای بعدی باید از روبروی اتاقهایی رد شد که به منظور دیدبانی و تیراندازی در جلوی هر یک از اتاقهای قبلی ایجاد شده‌اند. سه عدد اتاقک کوچک این مجموعه به احتمال قوی به منظور انبار به کار می‌رفته است.

امروزه مجموعه قسمت اول که محل تردد آن از ضلع غربی می‌باشد و آثار تخته پل، مابین پرتگاه دو طرف، نامیده می‌شود امروزه قابل مشاهده است که جهت تردد در مواقع عادی به داخل مجموعه اول به کار می‌رفته است. در نمای بیرونی آن روی صخره آثار چند گودال مستطیل شکل به فرم قیر دیده می‌شوند که نظیر آن را می‌توان در منطقه «بَرْدکُنْتَه» در اطراف مهاباد نیز مشاهده نمود که متعلق به هزاره اول (ق.م) است.

یک اتاق منفرد نیز بین دو مجموعه قرار دارد که در ارتفاع ۷ متری واقع است و در حقیقت سهل الوصول‌ترین اتاقهای مجموعه است. اما صخره آن لغزنده است و باید بدون کفش بدان صعود کرد. این اتاق از دو قسمت تشکیل شده است و ارتفاع آن به ۳/۵ متر می‌رسد.

قسمت داخلی آن تقریباً به شکل مربع است و سقف این قسمت نیز مسطح می‌باشد. اما پلان قسمت جلوی آن حالت کمائی شکل دارد. وضعیت این اتاق نشان می‌دهد در امر ایجاد فضای داخلی آن زحمت خیلی زیادی کشیده نشده است، زیرا به صورت طبیعی داخل آنها خالی بوده و تنها دیواره‌ها و سقف آنها را تراشیده و صاف کرده‌اند و در این قسمت طرفین دیواره‌ها با قوس خمیده به همدیگر نزدیک می‌شوند. اما در نزدیک سقف شکاف ناهنجاری، دو قوس را قطع کرده و ما بین آنها ۱/۸۵ متر فاصله انداخته است، در نتیجه قوس حالت کلیل* پیدا کرده است.

به طور کلی با توجه به فرم این دژ و سفالهای پراکنده در زمینهای روبروی آن که متعلق به هزاره اول (ق.م) هستند، جای شکی باقی نمی‌گذارد که این دژ متعلق به ماناها است. این مکان دقیقاً «قلمرو مانا» هست که کتیبه‌های آشوری طی سه قرن ۹ تا ۷ (ق.م) از آن نام می‌برند سبک ظاهری این دژ متفاوت با آثار صخره‌ای است که تا به حال شناخته شده و به دوران مادها نسبت می‌دهند. اطراف درگاهها در هیچ موردی حاشیه یا قاب بندی ندارد. درهای داخلی نیز چنین حالتی دارند و با معماری صخره اورارتو نیز تفاوت دارد. علاوه بر آن فاقد هر گونه پله کان برای دسترسی است که بر خلاف آن در معماری صخره‌ای اورارتویی، پلکان تقریباً جزء لاینجزی معماری آن

می‌باشد.

جنگهای پی در پی در منطقه، خصوصاً تهاجمات بی‌امان آشوریها و نیز اورارتوها مردم آن ناحیه را به فکر ایجاد دژهای مطمئن‌تر و مستحکم‌تری وادار نموده است. آنان در قرون ۸ و ۷ (ق.م) فرصت یافته و چنین دژهایی را ایجاد کرده‌اند. دژکرفتو نیز بی‌گمان منشأ مانایی دارد که بعدها نیز توسط مادها و هخامنشیان و اشکانیان همچنین در دوران اسلامی به طور متوالی مورد استفاده قرار گرفته بود. در فاصله کمی از این منطقه و در نزدیکی دهکده‌ای بنام «سماقا» مجموعه مشابهی با «شگفت فرهاد» وجود دارد که پراکندگی این گونه دژها را در یک محل نزدیک نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- ر. کوهها و غارهای ایران
- ۲- کریمی، بهمن، راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب ایران شهریور ۱۳۲۹، ص ۱۹۵.
- ۳- همان منبع.
- ۴- مشکوتی، نصرالله، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۸.
- ۵- کریمی، بهمن، همان منبع.
- ۶- کریمی، بهمن، کوهها و غارهای ایران، ص ۴۱۰ و نیز رجوع شود به «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۸.